پژوهش‌نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۵ـ۲۸ (مقاله پژوهشی)

No. 26, Spring & Summer 2020

پیوستگی‌های شبکه‌ای سُوَر اذائیه مکّی

نسرین الیاسی‌فر[۱]، عبدالمجید طالب‌تاش[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۲۱ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۲/۱۴)

چکیده

چینش آیات در سور قرآن، همجواری سوره‌ها، و تناسب میان سوره‌های هم گروه، همواره یکی از مباحث مهم علوم قرآنی بوده است که با عناوینی چون نظم آیات و تناسب سور مطرح است. تعبیر پیوستگی شبکه‌ای سوره‌های قرآن اصطلاح جدیدی است که از ارتباط ساختاری و محتوایی میان سوره‌ها سخن می‌گوید. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های اذائیه مکّی "الواقعه، التکویر، الانفطار، الانشقاق و الزلزال" را در دو جنبه تناسب ساختاری و محتوایی مورد بررسی قرار داده است. پژوهش بدست داده است که این سور دارای پیوستگی‌های ساختاری و ادبی شامل حسن آغاز، سجع، تشبیه، تصویرپردازی‌های ادبی، لحن و ریتم مشترک هستند که همه آن‌ها را در یک گروه ساختاری جای می‌دهد؛ همچنین تحقیق بدست داده است که این سور دارای پیوستگی‌های محتوایی شامل توحید ربوبی، ذکر حوادث قیامت، گروه‌بندی انسان‌ها در قیامت و غرض مشترک هستند. بررسی ساختاری و محتوایی حاکی از آن است که سور اذائیه مکّی همگی از نظم‌آهنگ مشابه برخوردارند و دارای آیات نظیر از جهت شکلی و محتوایی هستند که پیوستگی شبکه‌ای آن‌ها را تقویت می‌کند.

کلید واژه‌ها: *پیوستگی شبکه‌ای، سور اذائیه، سور مکّی، همبستگی ساختاری، همبستگی محتوایی*

---

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)؛
talebtash@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

۱ـ بیان مساله

قرآن دارای اسلوب متنوعی در بیان موضوعات است و درعین اینکه بـه تـدریج نـازل شده و از موضوعی به موضوعی دیگر می‌پردازد ارتباط و پیوسـتگی بـی‌نظیـری در میـان آیات آن وجود دارد. این پیوستگی و هماهنگی در هـر سـوره‌ای از قـرآن نمایـان اسـت. همچنین با نگرش به سوره‌ها از منظر پیوستگی و تناسبشان با یکدیگر در مسـیر رسـاندن انسانها به مقصدی یکسان می توان آنها را سرشار از آثـار هـدایتی فـراوان یافـت. در پـی بهره‌مندی از قرآن و حقایق عظیمش، مدخل‌های گوناگونی همچون علـوم تفسـیر و علـوم قرآنی با همه شاخه‌های خود، وجه تمسک عالمان به قرآن بوده و هست. یکی از مهمتـرین و کارآمدترین علوم در بهره‌مندی از این بحرعمیق علم تناسبات میان آیـات و سـور قـرآن است. تناسب آیات و سور از جمله مباحث علوم قرآنی است که به وجود پیونـد و ارتبـاط میان آیات و اتصال و پیوستگی بین سوره‌ها می پردازد. افـرادی ماننـد ابـوبکر بـاقلانی (م ۴۰۳ق) و عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۱ق) از نخستین کسانی هستند که نظـم موجـود میـان آیات قرآن را دلیلی بر اعجاز قرآن دانسته‌اند و در مراحل بعد مفسران و علمی علوم قرآنی از تناسب میان یک آیه، آیات یک سوره، سوره‌های همجوار و یا گروهی از سوره‌ها سخن به میان آورده‌اند. این مبحث در آثار افرادی چون زمخشری در الکشاف الحقـائق غـوامض التنزیل، فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب، ابو حیان اندلسی در البحر المحیط فی التفسـیر، آلوسی در تفسیر روح المعانی و دیگران دنبال شد. برخـی از مفسـران همچـون سـیوطی و علامه طباطبایی معتقدند سوره‌هایی که دارای فواتح یکسان و مشـابه هسـتند، از مضـامین مشابه نیز برخوردارند؛ زیرا احتمال تناسب میان این نوع سوره‌ها با یکدیگر بـیش از سـور دیگری است که چنین ارتباطی با هم ندارند. اما افزون بر تلاش‌هـای برشـمرده، برخـی از مفسران و علمای علوم قرآنی از تناسب فراتری با عنـوان پیوسـتگی‌هـای شـبکه‌ای میـان برخی سور سخن گفته‌اند. مقصود از پیوستگی‌های شبکه‌ای، نوعی خاص از تناسـب اسـت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

که از ارتباط ساختاری و محتوایی میان دو یا چند سوره هم‌گروه خبر میدهد. انواع پیوستگی‌های شبکه‌ای میان برخی سوره‌های قرآن کریم، شامل تناسب مضمونی، تناسب میان مجموعه‌ای، تناسب آغاز سوره بعد با پایان سوره قبل، تناسب دو سوره پیاپی در شروع یا پایان، نظایر آیات، سجع، سیاق، غرض مشترک، موضوع مشترک و واژگان کلیدی می‌باشد. این مقاله بر اساس عوامل پیوستگی ذکر شده، تلاش کرده است پیوستگی شبکه‌ای میان سور اذائیه مکّی را مورد بررسی قرار دهد. تا کنون به طور مستقل پژوهشی در زمینه تناسب آیات سور اذائیّه مکّی صورت نگرفته است.[۱] این تحقیق اولین پژوهش در زمینه پیوستگی‌های شبکه‌ای سور اذائیه مکّی را انجام می هد. منظور از سور اذائیه مکّی آن دسته از سوره‌هایی است که با إذا شروع می‌شود و در مکّه نازل شده است که شامل سوره‌های الواقعه، التکویر، الانفطار، الانشقاق و الزلزال می‌شود. از آنجا که همه این سوره‌ها دارای مطلع واحد هستند و همگی در مکّه نازل شده‌اند بررسی چگونگی و میزان تناسب‌های شکلی و محتوایی میان آن‌ها نیاز به تحقیق و پژوهش دارد. در همین راستا پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا می‌توان سور اذائیّه مکّی را در یک گروه جای داد؟ و از جهت شکلی و ساختاری چه تناسبی میان این سوره‌ها وجود دارد؟ و از جهت محتوایی و مضمونی چه تناسبی میان آن‌ها یافت می شود؟ از این رو سوره‌های اذائیه مکّی را از جهت ساختاری با یکدیگر مقایسه نموده و تناسب‌ها و پیوستگی‌های میان آن‌ها را جستجو کرده است. همچنین محتوای این سور را با یکدیگر تطبیق می‌دهد تا روشن شود که چه پیوستگی و ارتباط محتوایی و مضمونی میان این سوره‌ها وجود دارد.

---

۱. در زمینه پیشینه تناسب آیات و سور کتاب *پژوهشی در نظم قرآن*، نوشته عبدالهادی فقهی زاده، پایان نامه کارشناسی ارشد لیلا علوی با عنوان *تناسب سور حوامیم*، پایان نامه کارشناسی ارشد زهرا خلخالی با عنوان *تناسب در سور حزب مفصل قرآن*، رساله کارشناسی ارشد رضوان جلالی‌فر با عنوان *مضامین مشترک سور قرینتین*، رساله کارشناسی ارشد روح اله داوری با عنوان در *آمدی بر پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های قرآن کریم* نگارش یافته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

۲ـ پیوستگی ساختاری و شکلی

در اینجا به بررسی پیوستگی ساختاری و شکلی سوره‌های اذائیه مکی پرداخته می‌شود و تناسب و پیوستگی میان آنها از جهت هماهنگی و نظـم در واژگـان و جمـلات و انـواع صنایع ادبی بکار رفته در آن‌ها همچون حسن آغاز، سجع، تشبیه و دیگر صنایع ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲ـ۱. حسن آغاز

فواتح سُوَر یکی از شاخص‌های حائز اهمیت در تشخیص معیار گـروه‌بنـدی سـوره‌هـا بشمار می‌آید؛ از اینرو سوره‌هایی از قرآن که مطلع مشترکی دارند و دارای سرآغاز مشابهی هستند در قالب یک گروه جای مـی‌گیرنـد کـه از پیوسـتگی‌هـای سـاختاری و محتـوایی برخوردارند (سـیوطی، ۳۳۳/۲). ایـن مسـأله در احادیـث معتبـر و متعـدد، مـورد توجّـه قرارگرفته و مفسران بر این معیار صحّه گذاشته و اشتراک در فواتح سوره‌ها را نشانه تقارن موضوعی آنها دانسته‌اند (لسانی، ۱۰۸). بر همین اسـاس اسـت کـه سـیوطی بـه همسـانی سرآغاز سور اهتمام ورزیده و هر دسته از سوره‌هایی که سرآغاز مشترک دارند را یک نوع بشمار آورده است. وی کلام خداوند را از جهـت شـروع، بـه ده نـوع تقسـیم نمـوده و در خصوص سوره‌های اذائیه یادآوری میکند که سوره‌های الواقعه، منافقون، التکویر، الانفطـار، الانشقاق و الزلزال و النصر همگی با شرط آغاز شده‌اند و در یک گروه دسته‌بندی میشـوند که دارای حسن آغاز هستند (سیوطی، ۳۳۴/۲). سور اذائیـه مکّـی دارای شـروع یکسـان هستند و با اذای شرطیه آغاز میشوند. اذا ظرف زمان و از ادات شرط است که از این منظر ساختار مشترکی دارند و به گونه‌ای نظام یافته‌اند که همگی بـرای شـرط محقّـق الوقـوع و حتمیَ الوقوع به کار گرفته شده‌اند (حسن، ۲۶۰/۲-۲۶۱). چه اینکه، شروع کلام با جملـه شرطی، تأثیرگذاری بر خواننده را بیشتر می‌کند، و او را برای درک مسأله‌ای کـه مـوردنظر گوینده است و به دنبال شرط می‌آید تهییج می‌کند؛ چرا که وجود عبارت شـرطی در آغـاز

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

کلام خبر بخصوص زمانی که جواب شرط در ساختار فعل ماضی بیان می‌شود از نگاه گوینده متن، از وقوع حتمی و قطعی حادثه یا موضوعی می‌دهد که در جواب آمده است. جواب شرطها در این سوره‌ها، مربوط به حوادث قیامت و صحنه‌های آن است. در نتیجه چنین شروعی، حاکی از آن است که قرآن می‌خواهد این دریافت را به خواننده منتقل کند که حوادث مربوط به قیامت که در عبارات شرطی و در جواب شرط آمده و همگی با صیغه ماضی نقل شده است قطعی و حتمی است و خللی در تحقّق آن ایجاد نخواهد شد؛ در نتیجه قرائت کننده این آیات اطمینان خاطر پیدا می‌کند که قیامت و حوادث مربوط به آن آمدنی و برپا شدنی است اینگونه کلام علاوه بر اینکه دارای حسن آغاز است به براعت استهلال نیز نزدیک است که یکی از روش‌های تهییج مخاطب برای توجه بیشتر به کلام است. براعت استهلال آن است که سخن با آنچه با حال متکلم و مخاطب تناسب دارد آغاز شود و به آنچه سخن برای آن بیان شده اشاره شود (سیوطی، ۳۳۵/۲)؛ از آنجا که قرآن میخواهد ضمن حتمی بودن وقوع قیامت هولناک بودن آن صحنه را نیز ترسیم کند، با استفاده از عبارت‌های شرطی همراه با کوبندگی در کلام و با بکارگیری افعال ماضی به این هدف دست مییابد؛ در نتیجه سوره‌های اذائیه مکّی علاوه بر حسن آغاز واجد صنعت براعت استهلال نیز هستند. ملاحظه میشود که سور اذائیه مکّی همگی با عبارتهای شرطی متعدد آغاز شده و از وقوع حوادث مشترک خبر می‌دهند که حاکی از پیوستگی ظاهری و محتوایی میان این سوره‌ها است. این روش با غرض سوره‌ها که توجّه دادن مخاطب به مسأله مهم قیامت و ایجاد باور و یقین در او نسبت به وقوع آن است هماهنگی دارد. بنابراین عبارتهای شرطی در مطلع سوره‌های اذائیه مکّی به معنای حسن آغاز و براعت استهلال این سور است و حکایت کننده همبستگی و پیوستگی میان این سوره‌ها است.

۲ـ۲. صنعت سجع

سجع در علم بدیع، به معنای آن است که کلمات آخر جملات مشابه در وزن یا رویّ یا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

یکی از این دو برابر باشند و در این زمینه فرقی بین نثر یا نظم وجود ندارد (طاهرخانی، ۸۳). سکاکی سجع در نثر را همانند قافیه در شعر می‌داند (سکاکی، ۶۷۲). قرآن کریم به سبب همین ویژگی، ذاتاً آهنگین است و این ویژگی در سرتاسر قرآن به ویژه در شماری از سوره-های اولیه و میانی مکّی وجود دارد (میر، ۳۳). با توجه به همین ویژگی میتوان بین سوره-هایی که دارای سجع و وزن یکسان هستند ارتباط برقرار کرد. علمای بدیع سجع را به انواعی تقسیم کرده‌اند که از انواع اثرگذار بر خواننده، سجع متوازی است که در سور اذائیه مکّی به کار رفته است. سجع متوازی آن است که کلمات در وزن و فاصله هر دو متّفق باشند و آنچه در اولی هست با آنچه در دومی هست یکسان باشد (سیوطی، ۳۲۸/۲). سور اذائیه مکّی از سوری هستند که بسیاری از آیات آن‌ها دارای سجع‌های مشابه و یکسان است. در سوره الواقعه، آیات یکم تا سوم، هشتم تا دهم، پانزدهم و سی و دوم تا سی و چهارم، دارای فاصله‌های واحد هستند که همگی به تاء ختم می‌شوند. همین فاصله در آیات یکم تا چهاردهم سوره التکویر یافت می‌شود که همگی به تاء ختم می‌شوند. ساختار سوره الانفطار از جهت فاصله‌ها به گونه‌ای است که ایجاد کننده این احساس در خواننده است که گویا این دو سوره، قابلیت تبدیل شده به یک سوره هستند؛ به این معنا که آیات یکم تا پنجم سوره الانفطار نیز به تاء ختم می‌شود که نظماهنگی کاملاً شبیه به نظماهنگ آیات سوره التکویر دارد. همین رویکرد در سوره الانشقاق یافت می‌شود که آیات یکم تا پنجم به تاء ختم می‌شود و آیات ششم و هفتم نیز از جهت سجع ساختار مشابهی با آیات پیشین دارد. و در سوره الزلزال هر چند فاصله‌های تاء وجود ندارد لکن دو آیه آخر از ساختار مشابهی تشکیل شده که در هنگام وقف هم سویی بسیاری با آیات یکم تا پنجم سوره الواقعه پیدا می‌کند. ملاحظه می‌شود که سوره‌های اذائیه مکی همگی دارای فاصله‌های یکسانی هستند که برخی از آیات به مصوّت تاء ختم میشوند. مصّت تاء، حرف مهموس، انفجاری و دارای صفت شدت است (ستوده‌نیا، ۷۳). این نوع سجع که آهنگین‌ترین و زیباترین نوع سجع است بسامد بسیار بالایی در سور اذائیه مکّی دارد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

(الهاشمی، ۴۰۴). این فاصله‌های شدید و انفجاری که متن را آهنگین کرده و نظماهنگ منسجمی دارند با محتوای آیات که از شروع قیامت و صحنه‌های ترسناک آن سخن می‌گوید تناسب داشته و بر خواننده تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد و تصویری هول‌انگیز را از آن روز برای او ترسیم میکند.

۲ـ۳. صنعت تشبیه

از دیدگاه عالمان علوم بلاغت هیچ یک از فنون بلاغت در مجسم نمودن معانی و تصویرگری مفاهیم به پایه تشبیه نمی‌رسند؛ تا آنجا که درباره آن گفته‌اند تشبیه معنا را آنگونه آشکار می‌سازد که گویی آن را میتوان با چشم خود دید و با انگشتان خود آن را لمس نمود (عبدالقادر، ۷). تشبیه در قرآن تنها یک آرایش کلامی و زیبایی لفظی نیست که هدف از آن تنها ایجاد مشابهت میان اشیاء باشد و بس، بلکه قرآن به کمک تشبیه، روح و حیات و نشاط به کار برد الفاظ می‌دهد و معانی ذهنی را به صورت‌هایی مجسم و زنده در قالب تصاویری بدیع به نمایش می‌گذارد و البته در این میان از عنصر هنر و زیبایی و نظم و موسیقایی کلام غافل نمی‌شود (محمد قاسمی، ۶۸). سوره‌های اذائیه مکّی از این صنعت بیانی برخوردار است و در آن‌ها آیاتی یافت می‌شود که به نیکویی از این صنعت ادبی استفاده کرده است. علامه طباطبایی تأکید می کند که سوره الواقعه با استفاده از تعبیرهایی مانند «**وَحُورٌ عِينٌ. كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ**»؛ حوریان بهشتی را از جمله نعمت‌ها و پاداش‌های بهشتی برای نیکوکاران معرفی می‌کند که آنها را در نیکویی و مصفّایی به مرواریدهای زیبایی تشبیه کرده که دست نخورده و در صدف پنهان مانده‌اند (طباطبایی، ۲۴۷/۱۹). این صنعت ادبی در سوره التکویر نیز مشاهده می‌شود. تعبیر «**وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ**» در این سوره به کاربرد همین صنعت پرداخته است. صبح در این آیه به موجود زنده‌ای تشبیه شده که نخستین تنفسش با طلوع سپیده آغاز می‌شود و روح حیات در همه موجودات می‌دمد گویی در زیر دست و پای لشگر زنگی شب نفسش بریده بود و عفریت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

شب پنجه‌های سیاه خود را به گلوی صبح افکنده بود و آن را می‌فشرد امام بـا درخشـیدن اولین شعاع نور از زیر چنگال او آزاد مـی‌شـود و نفـس تـازه میکنـد (مکـارم شـیرازی، ۸۹/۲۲). سیوطی تشبیه در این آیه را نوعی استعاره محسوس میداند یعنی از بیرون آمـدن تدریجی نفس عاریت گرفته شده برای بیرون آمـدن نـور از مشـرق هنگـام شـکفته شـدن تدریجی فجر که تمام اینها محسوس می‌باشد (سیوطی، ۱۴۶/۲). زمخشری درباره تصـویر زیبای قرآن میگوید شاید بپرسید مقصود از تنفس صبح چیست؟ باید بگویم که وقتی صبح می‌آید با آمدنش روح نسیمی تازه می‌آورد و در کالبد بی‌جان طبیعت روح زنده‌ای می‌دمد همین نسیم و روح به طور مجاز تنفس صبح خوانده مـی‌شـود (زمخشـری، ۷۱۱/۴). و در آیات سوره التکویر به نیکویی از این صنعت ادبی استفاده شده است. وقتی می‌فرماید: «**فَلَـا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ. الْجَوَارِ الْكُنَّسِ**»؛ ستارگان را به پرندگانی تشبیه می‌کند که صبح از لانه بیرون می‌آیند، حرکت می‌کنند و شامگاهان به لانه باز می‌گردند؛ و پیوسته این کار را تکرار مـی‌کننـد. در سوره الزلزال در آیه «**يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا**» زمین را به انسان زنده‌ای تشبیه مـی‌کنـد کـه در حال گزارش‌دادن حوادثی است که شاهد آن بوده و هیچ حادثه‌ای را به فراموشی نسـپرده اسـت و ماموریتی را که برعهده داشته به خوبی به انجام می‌رساند؛ و در سـوره الانفطـار در آیـه «**وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ**»؛ ستارگان را به گردنبندی از مروارید تشبیه کرده که دانه‌های ریز و درشـتش را با نظمی معین قرار داده بودند اما ناگهان رشته‌اش پاره شود و دانه‌ها متفرق شوند (طباطبـایی، ۵۳۸/۲۰). در سوره الانشقاق در آیه «**وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ**» زمین به زن بارداری تشبیه شده که با اذن و اجازه الهی بار خود را به زمین می‌گذارد (سید قطب، ۷۸۹). ملاحظه می‌شود کـه در همه سور اذائیه مکّی به نیکویی از صنعت ادبی تشبیه استفاده شده تا خواننده را در فضـای درک بیشتر صحنه‌های مقصود قرار دهد.

۲ـ٤. تصویرپردازی از طریق انتقال از آینده به گذشته

قرآن در صحنه‌هایی چند، از حوادثی که در آینـده تحقّـق خواهـد یافـت بـه ویـژه در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

حوادث قیامت با صیغه ماضی یاد نموده است تا از این راه وقـوع حتمـی و قطعـی چنـین اموری را اعلام دارد و تصاویر آن را با برخی جزئیاتش در پیش روی مخاطب قرار دهـد؛ چنانکه درباره محشور شدن انسانها در قیامت مـی‌فرمایـد «**وَ یَـومَ نُسَـیِّرُ الجِبـالَ وَ تَـرَی الاَرضَ بارِزَةً وَ حَشَرنَاهُم فَلَم نُغادِر مِنهُم اَحَداً**» (الکهف، ۴۷) کـه بـا وجـود تحقّـق آن در آینده از آن با صیغه ماضی یاد نموده تا از وقوع حتمی آن پرده بـردارد (الحسـینی، ۵۸۸). این رویکرد در سور اذائیه مکی مشاهده می‌شود. تعبیرهای سوره الواقعـه بـا ذکـر افعـال وقعت، رجّت، بسّت، کانت، کنتم که همگی در صدد بیان صحنه‌هـای مربـوط بـه قیامـت و آینده بشر و نظام آفرینش است؛ لکن با صیغه ماضی تبیین می‌کند. و در سـوره التکـویر از افعال کوّرت، انکدرت، سیّرت، حشرت، سجّرت، زوّجت، سئلت، قتلـت، نشـرت، کشـطت، سعّرت، أزلفت، أحضرت استفاده کرده که صحنه‌های مربوط به قیامت را به تصـویر کشـیده است. و در سوره الانفطار از واژگان انْفَطَرَتْ، إنتشرت، فجّرت، بعثرت، قدّمت، أخّـرت بهـره برده است که در باره حوادث مربوط به آستانه قیامت خبـر مـی‌دهـد کـه در آینـده اتفـاق خواهد افتاد. و در سوره الانشقاق از کلمات انْشَقَّتْ، و در سوره الزلزال که حوادث و اخبار قیامت را بیان می‌کند با استفاده از واژگان زلزلت، أخرجت و قال بیان کرده است. قـرآن در این صحنه‌ها با برداشتن حائل زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند داده و شکاف میان دنیا و آخرت را برداشته، به گونه‌ای که در برخی موارد فرقی میان آن دو نمی‌بینیم بلکه در مواقعی آخرت را پیش روی خود حاضر می‌بینیم و دنیا را گذشته و طی شده می‌یـابیم کـه این خود در حیات بخشیدن به صحنه‌ها و تاثیرگذاری عمیق بر مخاطب بسیار نقش‌آفـرین است (سید قطب، ۳۹-۴۱). این رویکرد قـرآن حـاکی از آن اسـت کـه اخبـار مـذکور در سوره‌های اذائیه مکّی مربوط به حوادث قیامت و یا حوادث مربوط به آستانه قیامت اسـت که در آینده حاصل خواهد شد؛ لکن قرآن با بهره‌گیری از افعال ماضی قطعیت این حـوادث را به نمایش گذاشته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

۲ـ۵. تصویرپردازی با حروف

گرچه حروف در هر زبانی اداتی هستند که بر معنای مستقلی دلالت نمی‌کند و تنها نقش واسطه‌ای را میان کلمات ایفا می‌کنند اما همین حروف به ظاهر ساده در قرآن برای خود جایگاهی حائز اهمیت دارند و بسیار نقش‌آفرینند. حروف در قرآن اداتی طفیلی نیستند بلکه هر کدام با زبانی رمزگونه ما را به حقیقتی فرا می‌خوانند و به تعبیری حرفهای قرآن با ما حرف می‌زنند و هر یک پرده از اسراری چند برمی‌دارند (محمدقاسمی، ۴۰) قرآن در برخی تعابیر خود با به کار بردن حرف فاء که به وضوح حوادث پشت‌سرهم و بدون وقفه دلالت دارند آن جریان را از یک واقعه معمولی به صحنه‌ای پرتحرک و زنده مبدّل می‌سازد و نبض کلمات را به طپش در می‌آورد (الحسینی، ۱۷۳). همچنانکه در سوره الواقعه نیز در سه آیه ۵۳ تا ۵۵ بطور پیاپی از حرف فاء استفاده می‌شود و می‌فرماید: «**لَآکلون من شجرٍ من زقّوم. فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ. فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ. فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ**» طعام دوزخیان و نوشیدنی آنان را در فضایی شگفتی انگیز بیان کند تا حالت تنفرآمیزی که در هنگام پرکردن شکمشان از طعام و نوشیدنی دارند را تصویرسازی کرده و توالی خوردن زقوم و نوشیدن آب سوزان را بیان می‌کند که مخاطب در صحنه شگفت‌انگیزی قرار می‌گیرد که گویا دوزخیان را مشاهده می‌کند که از فرط گرسنگی و تشنگی چنان به حرص و ولع بی‌اندازه افتاده‌اند که پشت سر هم زقوم و آب سوزان را سر می‌کشند؛ به گونه‌ای این بیان اثر گذار است که شعله بر هر وجدان بیداری زده و رستاخیزی در غفلت زدگان پدید می‌آورد. همچنین در آیه هفتم سوره الانفطار بطور پیاپی از حرف فاء استفاده نموده و پیاپی‌بودن مراحل خلقت انسان و علت این خلقت را با حرف فاء به تصویر می‌کشد: «**الَّذِي خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ**» ملاحظه می‌شود که پیاپی آمدن دو تعبیر فسوّاک . فعدلک حاکی از این است که همزمانی آفرینش، آراستن و تعدیل کردن شخصیت انسان را به نمایش می‌گذارد؛ به گونه‌ای که گویا هیچ فاصله زمانی میان خلقت، آراستن و تعدیل انسان وجود ندارد. و در سوره الانشقاق در آیات «**فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ**

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

بِیَمِینِهِ. فَسَوْفَ یُحَاسَبُ حِسَابًا یَسِیراً» دو مرتبه از حرف فاء استفاده می‌شود که برای اصحاب یمین میان لحظه گرفتن نامه عمل و زمان حسابرسی آسان آنها فاصله‌ای نیست؛ در نتیجه این گویش قرآن زمینه تشویق مخاطب را فراهم می‌کند. و در سوره الزلزال در آیه «**فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَیْرًا یَرَهُ**» حرف فاء با آیات قبل پیوند خورده و نشان می‌دهد که حوادث قیامت پشت سر هم حادث می‌شود تا انسان به مقصد خود که مشاهده اعمال است برسد (یارمحمدی، ۵۹).

۲ـ۶. لحن‌ها و ریتم‌های مشترک

آیه‌ها و در جای جای کلام قرآن آشکار است از آنجا که استفاده از عنصر آوا و آهنگ برای انتقال کلام سبب برتری متن می‌شود و قرآن کریم نیز به عنوان نماینده کلام الهی است تمام ظرفیتها و ویژگی‌های کلام برتر استفاده کرده بنابراین ویژگی‌های آوایی را نیز در خود لحاظ داشته است. نظماهنگ حاکم بر عبارت‌های قرآن حکایت از آن دارد که این متن نسبت به ویژگی‌های آوایی بی‌تفاوت نبوده و آنان را همانند یک گفتار و خطابه در سطح افقی نیز حمل کرده است. وجود این سبک و ویژگی آوایی در قرآن این امکان را فراهم کرده که خواننده، کلام قرآن را زنده و پویا ببیند و به طور مستقیم با همان لحن متکلم دریافت کند؛ گویی که وی مستقیماً مورد خطاب کلام وحی قرار گرفته است. علاوه بر این، ویژگی‌های آوایی سبب انتقال لحن متکلم به متن نوشتاری قرآن شده است. لحن کلام، در محاورات عرفی از قرائن کلام است و در تحقق ظهور کلام و تعیین مقصود گوینده آن موثر است به همین دلیل هم گویندگان برای افاده مقصود خود از آن کمک می‌گیرند و آن را به همراه الفاظ، دلیل بر مقصود خود قرار می‌دهند (فلاح، شفیع پور، ۴۶). آیات این سوره‌ها با ریتم‌های سریع همراه است که با اهداف آن یعنی بیان صحنه‌های قیامت یا حوادث قبل تناسب دارد؛ به گونه‌ای که مخاطب را در درک بهتر آن صحنه‌ها همراه با هیجان لازم تهییج می‌کند. واکه‌های کوتاه، پی‌درپی و پرهیز از کاربرد فراوان واکه‌های بلند سبب شده تا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

ریتم آیات تند و سریع گردد. در این آیات ضرب آهنگ کلمات تند و سریع و کوبنده است به گونه‌ای که تارهای دل انسان را به سرعت به حرکت درآورده و پتک سنگین آن دلها را می‌کوبد و جوی از هیجان و اضطراب را می‌آفریند. آیات ابتدایی سوره الواقعه و همینطور سوره‌های الانفطار، الانشقاق، التکویر و الزلزال از چنان نظماهنگ سریع و ریتم داری برخوردار است که شنونده و خواننده متن احساس می‌کند گویا کسی در حال طبل‌کوبیدن است که می‌خواهد مردم را از یک خبر بسیار مهم و جدی مطلع سازد (طالب‌تاش، ۱۶۳)؛ حروف کوتاه در واژه وقعت و ساکن‌شدن حرف قاف در آیه «**لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ**» که سبب قلقله می‌شود و حرف تشدید در سه آیه «**خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ. إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا. وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا**» در سوره الواقعه بر سرعت و کوبندگی ریتم آیات اثر گذاشته است (ستوده‌نیا، ۶۰) و کثرت مصوت‌های کوتاه و غلبه آن ها در چهارده آیه نخست سوره التکویر، نوع جمله‌بندی آیات و تکرار فعل‌های مجهول ریتمی تند به کلام بخشیده که با اهداف سوره که ایجاد تحذیر نسبت به حوادث قیامت است تناسب دارد (ناظمیان، ۱۰۷). و در سوره الانفطار که با الانفطار یعنی شکافتن آسمان شروع می‌شود و سپس این شکافتن در سراسر سوره مشاهده می‌شود از جمله شکافته‌شدن قبرها، و حرکت انفجاری دریاها و استفاده از حرف فاء که دارای صفت شدت و استعلاء و قلقله می‌باشد و آمدنش در ابتدای سوره الانفطار دلالت بر شدت شکافته‌شدن دارد؛ و صفت تکریر در حرف راء و انفجار در حرف جیم و اجماع آنها در واژه فجّرت شدّت و سختی شکافته‌شدن دریاها را نشان می‌دهد؛ همگی دست به دست هم داده و ریتم آیات را سریع، تند و کوبنده می‌گرداند (جیگاره، صادقی، ۶۸) و در سوره الانشقاق که با دو شقه شدن آسمان شروع می‌شود و این پدیده در تمام سوره دیده می‌شود و حتی در صفوف انسانها راه پیدا می‌کند و با هجاهای کوتاه در واژگان پایانی آیات همراه است و ریتمی کوتاه و تند به آن می‌دهد همگی نظماهنگ حاکم بر این سوره را با اطلاع‌رسانی در باره حوادث قیامت متناسب می‌سازد؛ و موسیقی ویژه‌ای را به نمایش می‌گذارد که گویا هیجان و اضطراب نسبت به صحنه‌های هولناک قیامت را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

القاء می‌کند (دهقانی فارسانی، ۱۱)؛ و در سوره الزلزال تکرار حرف زاء که دارای صفت صفیر و تکرار حرف لام که دارای صفت انحراف است و آهنگ خاص این حروف پی‌درپی لرزیدن زمین را در آغاز رستاخیز و قیامت را به اذهان تداعی می‌کند و ریتم آیات را در اوایل این سوره، ریتمی سریع و تند قرار می‌دهد (خوش‌منش، ۲۰۹). سید قطب معتقد است این سوره از چنان نظماهنگی برخوردار است که صحنه به لرزه در آورده و گویی زیرپای شنوندگان این سوره، زمین به حرکت در می‌آید و به نظر آنان چنین می‌رسد که در حال لرزش و تحرک‌اند (سید قطب، ۳۹۵۴/۶).

۳ـ پیوستگی محتوایی

گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگر هستند، در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها مشاهده نمی‌شود. مفسر در این مورد باید آن چنان اشراف و حضور ذهنی درباره قرآن کریم داشته باشد که به مقدار وسع و تکلیف، همه آیاتی را که در این زمینه نظر دارند، نفیاً و اثباتاً گردآوری کرده و محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد. (مصلائی‌پور یزدی و دیمه کار، ۳۱) بنابراین در نظایر معنوی، تأکید زیادی بر محتوای آیات وجود دارد، هر چند ممکن است الفاظ مشترکی میان آن‌ها مشاهده نشود.

۳ـ۱. توحید ربوبی

اسماء الهی مشترک بین سور هم‌گروه میتواند دلیلی برای کشف موضوعات و مفاهیم مشترک در بین این سور باشد. اسم مشترکی که در میان سوره‌های اذائیه مکّی به چشم می‌خورد، نام رب الهی است و این خود حلقه اتصالی را میان این سور برقرار کرده است و می‌تواند بیانگر این نکته باشد که خداوند طراحی مسئله معاد را از طریق تاکید بر ربوبیت خود در عالم پایه‌گذاری می‌کند؛ یعنی لازمه تربیت و رشد و نمو انسان، بودن جهان دیگر است که ظرفیت این را داشته باشد که انسان حیاتش را در آنجا ادامه بدهد. در سوره الواقعه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

که مفصل‌ترین آیات در مورد مظاهر ربوبیت الهی وجود دارد در آیـات ۵۷ تـا ۷۴ بعـد از ذکر مظاهر ربوبی خداوند در خلقت انسان، کشت و زراعت، برآوردن آب از دل زمین، و بر افروختن آتش به نام رب اشاره می‌کند؛ به این معنا که چون او مربی انسان است مقصـدی عالی را برای انسان در نظر گرفته است و در ادامه از نعمت معنوی قرآن یاد می‌کنـد و بـر مسأله ربوبیّت خداوند تاکید می‌کند که چگونه خداوند با کلامش تربیت انسـانها را منظـور کرده است (طباطبایی، ۲۷۶/۱۹). در سوره الانفطار انسان را در مقابل ربی قرار می‌دهد که کریم است و او را در کنف حمایت خویش قرار داده و نعمات مادی و معنوی خود را بر او ارزانی داشته است و با عبارتی اعتراضی و تعجب انگیز از او می‌پرسد: «**يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ**»؟ و بدنبال آن به این مظاهر ربوبیت اشاره مـی‌کنـد کـه در آفـرینش انسان، تسویه و تعدیل و در صورت پردازی او نمایان است (مکـارم شـیرازی، ۲۱۷/۲۶). در سوره الانشقاق با تکرار أذنت لربّها و حقّت پس از بیان انشقاق آسمان و تخلیه زمین در آستانه قیامت بر توحید ربوبی تأکید می‌کند و در خطاب به انسان در رنـج بـودنش بـه سوی ربّ را یادآوری می‌کند تا دریابد که ربوبیت خداوند تمـام زنـدگی او را فـرا گرفتـه است و در ادامه صفت بصیر بودن خدا را نسبت به عملکرد انسان با ربوبیت خداوند در هم می‌تند تا گستره این ربوبّیت را به او متذکّر شود. صفت بصیر حاکی از آن است که خداونـد سامان‌دهنده و تنظیم‌کننده امور انسان است و با فراهم‌نمـودن اسـباب و اسـتعدادها، زمینـه پرورش انسان و تصرف رب را فراهم می‌سازد (بازرگان، ۶۹/۴)؛ علامه طباطبـایی تأکیـد می‌کند که در سوره الانشقاق بیشترین تکرار نام رب الهی را شاهد هسـتیم. ابتـدا خداونـد ربوبیت خود را در انشقاق آسمان و کشیده شدن زمین بیان می‌کند و این که موجودات عالم همه بر اساس قوانینی که خداوند برایشان وضع کـرده حرکـت مـی‌کننـد و منقـاد ربوبیـت پروردگار هستند و بعد انسان را هم بر اسـاس همـین قـوانین در حـال حرکـت بـه سـوی پروردگارش توصیف می‌کند (طباطبایی، ۵۷۷/۲۰). در سوره الزلزال خداوند سـخن گفـتن زمین و خبردادن او از آنچه بر رویش اتفاق افتاده را براساس فرمـان وحـی کـه بـه زمـین

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

می‌شود را با نام رب خود همراه می‌کند تا نقش ربوبیتی پروردگار در هدایت موجودات در آن جهان نیز مورد غفلت واقع نشود که این آیه علاوه بر اینکه شعور و حیات را در زمین ثابت می‌کند به پروردگاری اشاره دارد که رب است و موجودات را در این عالم با شعور خلق کرده است پس انتظار از چنین موجودی این است که بتواند از حوادث واقع بر خود خبر دهد پس وحی به زمین همان امر و تدبیر ربوبی است که از آغاز تکوین زمین وجود داشته است (طالقانی، ۲۲۰/۳۰).

۳ـ۲. حوادث قیامت

سوره الواقعه با نام‌گذاری قیامت به نام واقعه شروع می‌شود. طبرسی در تفسیر معنی واقعه معتقد است علت این نام‌گذاری شدت وقایع و حوادثی است که در روز قیامت رخ می‌دهد یا شدت وقوع قیامت است (طبرسی، ۳۲۵/۹) و در این حادثه عده‌ای بالا می‌روند و گروهی پایین می‌آیند. امام سجاد در تفسیر خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ بودن قیامت یادآوری کرده‌اند که رستاخیز خافضه است چرا که دشمنان خدا را در آتش ساقط می‌کند و رافعه است چراکه به خداوند سوگند اولیاءالله را به بهشت بالا می‌برد (حویزی، ۳۰۴/۵). در همه این سور حوادث شروع قیامت با کلمه اذا که از ادات ظرفیه و شرطیه است و برای بیان حادثه-ای محقق الوقوع در آینده به کار می‌رود شروع می‌شوند (حسن، ۲۶۰/۲) و در آن روز زمین دچار لرزشی سخت می‌شود. از کنارهم قرارگرفتن دو حرف جیم و را در واژه رجّت و مفعول تاکیدی رجاً که در آیه «**إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا**» آمده شدت اضطراب زمین را نمایان می‌سازد. زحیلی یادآوری می‌کند که این آیه نظیر آیه «**إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زلزالهَا**» می باشد (زحیلی، ۲۴۳/۲۳). و نتیجه چنین لرزش و جنبشی تغییری است که در کوه‌ها اتفاق می‌افتد «**وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا**»؛ بسّ در لغت به معنی خردکردن چیزی و کوبیدن آن است (مصطفوی، ۲۶۸/۱). در سوره الانفطارحوادث قیامت از انفطار آسمان شروع می‌شود یعنی شکاف طولی که بر اثر این شکاف ستارگان که در یک رشته به هم پیوسته قرار

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

داشته‌اند مانند دانه‌های گردنبند پاره شده پراکنده می‌گردند (طباطبایی، ۵۳۸/۲۰) و دریاها به مرحله تفجیر می‌رسند که به معنی خروج دریاها از حد و مرز خود و متصل شدن آنها به یکدیگر است که این حادثه بعد از آن چیزی است که در سوره کورت در مورد دریاها گفته شده است. مصطفوی می‌گوید فجّرت هیجان و فیضان از شدت پر شدن است (مصطفوی، ۵۶/۵). طالقانی مضامین سوره الانشقاق و الانفطار را به هم پیوند می‌دهد و یادآوری می‌کند که در سوره الانشقاق از شکافتن آسمان سخن می‌گوید که به معنی جدا شدن اجرام به هم پیوسته آسمان است و در سوره الانفطار از منفطر شدن آسمان یعنی از هم گسیختگی سخن می‌گوید؛ در حقیقت شکافتن با گسیختن و پاره شدن فرق دارد به این معنا که نخست جرم یا اجرام به هم چسبیده و پیوسته آسمان از هم جدا شده به انشقاق می‌رسند آنگاه سست شده و یکسره از هم گسیخته و منفطر می‌گردند (طالقانی، جزء ۲۶۸/۳۰). در حدیثی از امیرمومنان علی علیه‌السلام در تفسیر این آیه آمده است که ایشان فرموده‌اند انها تنشق من المجره آسمانها از کهکشانها جدا می‌شوند (آلوسی، ۸۷/۳۰) و بعد به تغییر زمین اشاره می‌شود «**وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ. وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ**» مراد آن است که کوه‌ها و تپه‌ها و بلندی‌های زمین فرو ریزد و پهن شود و پشتش هموار می‌گردد. از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفته مانند کشیده‌شدن چرم عکّاظی کشیده می‌شود؛ زیرا چرم را وقتی که بکشند هر چروکی که در آن هست از بین می‌رود و هر مرده وگنجی را که در خود نهفته داشته بیرون می‌اندازد؛ به نحوی که هیچ چیز در آن باقی نمی‌ماند. (زمخشری، ۸۹۸/۴) و یا اینکه بر وسعت و گستردگی زمین افزوده می‌شود تا آمادگی حشر و نشر خلایق را داشته باشد (فخررازی، ۹۷/۳۱). و این تغییر بعد از آن چیزی است که در سور الزلزال و الواقعه بدان اشاره شده است. در سوره التکویر حوادث قیامت با تاریک‌شدن خورشید شروع می‌شود؛ یعنی خروج خورشید از نظم و اداره‌ای که بر منظومه‌اش داشته و از فلک خود خارج می‌شود (مصطفوی، ۱۲۵/۱۰) و به این خاطر ستارگان هم منکدر می‌شوند مانند آنچه در سوره الانفطار آمده و البته ممکن است به معنای تیرگی باشد یعنی در آن روز

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

ستارگان بی‌نور می‌شوند (طباطبایی، ۵۱۹/۲۰) و تغییرات کوه‌ها در این سوره با آیه «**وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ**» بیان شده که به معنی حرکت کوه‌ها و به جریان افتادن آنها است (ابن‌فارس، ۱۲۱/۳) و این به حرکت درآمدن کوه‌ها بعد از مرحله کوبیده‌شدن است که در سوره الواقعه به آن اشاره شده یعنی ابتدا کوه‌ها چنان از هم می‌پاشند که سنگ و خاکشان یکسان می‌شود و بصورت پشم زده‌شده (**كَالعِهنِ المَنفُوش**) می‌شوند و سپس به حرکت در می‌آیند مانند حرکت ابرها (**تمرّ مَرَّ السَّحَاب**) (بقاعی، ۴۰۳/۷) ظاهرا این مرحله بعد از آن مرحله‌ای است که در سوره کورت به آن اشاره شد؛ البته زمخشری این دو آیه را نظیر هم می‌داند (زمخشری، ۵۵۹/۴) و تغییرات آسمان در این سوره ضمن آیه «**وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ**» بیان شده که در اصل به معنی برکنده‌شدن است؛ همانند برکندن پوست حیوانات (ابن فارس، ۶۸۴/۵) و به معنی پرده‌برداری و کشف چیزی که آن را احاطه کرده است (مصطفوی، ۶۳/۱۰). واژه کشطت حاکی از این است که پرده‌هایی که در این دنیا بر جهان ماده و عالم بالا افکنده شده و مانع از آن است که مردم فرشتگان یا بهشت و دوزخ را که در درون این جهان است ببینند کنار میرود و انسانها حقایق عالم هستی را می‌بینند و همانطور که در آیات بعد می‌آید دوزخ شعله‌ور و بهشت به انسانها نزدیک می‌شود؛ یعنی آیه ناظر بر حوادث مرحله دوم رستاخیز یعنی مرحله بازگشت انسانها به زندگی و حیات نوین است که بعد از انشقاق و انفطار آسمان که مربوط به مرحله اول رستاخیز می‌شوند اتفاق خواهد افتاد که ممکن است به معنای در هم پیچیدن آسمانها و ناظر به حوادث مرحله اول رستاخیز باشد که در این صورت انشقاق و انفطار آسمان یک معنا می‌دهد (ابن عاشور، ۱۳۲/۳۰). بنابراین با توجه به سیاق آیات و نظر مفسران می‌توان به این نتیجه رسید که ابتدا حوادثی در زمین و آسمان رخ می‌دهد که در سوره الواقعه به آن پرداخته است؛ سپس در آسمان انشقاق رخ می‌دهد یعنی اجزای به هم پیوسته آن از هم جدا می‌شوند که محتوای سوره الانشقاق است؛ و بعد یکسره منفطر می‌گردند یعنی از هم گسیختگی در آسمان اتفاق می‌افتد که سوره الانفطار آن را بیان کرده است و نهایتاً آسمان به آسمان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

دیگری تبدیل می‌شود و این همان چیزی است که در سوره التکویر با واژه "کشطت" به آن اشاره شده است و در سوره الزلزال که با اشاره به زلزله سخت قیامت شروع می‌شود و اینگونه می‌فرماید که زمین زلزله‌اش را سر می‌دهد و این زلزله‌ای است که نه فقط شامل زمین بلکه تمام عالم یکسره می‌شود (مطهری، ۸۶/۶) و این زلزله کماً وکیفاً تکرار می‌شود (مصطفوی، ۳۴۱/۴) که بر اثر این زلزله زمین آنچه در درون دارد از گنج‌ها و معادن و به قول بعضی از مفسران مردگانش را بیرون می‌ریزد.

۳ـ۳. گروه‌بندی انسانها در قیامت

پرداختن به احوالات مختلف انسانها در قیامت محور اصلی سوره‌های اذائیه مکّی است که در هر سوره به شکلی خاص عنوان شده (لسانی، ۱۳۲). در سوره الواقعه پس از اینکه صحنه قیامت را بازپردازی می‌کند یادآوری می‌کند که شما انسان‌ها در سه دسته السابقون، اصحاب یمین و اصحاب شمال گروه‌بندی می‌شوید. علامه طباطبایی تأکید می‌کند که کلمه زوج در آیه هفتم سوره الواقعه به معنای صنف است بنابراین ازواج سه‌گانه به معنای اصناف سه‌گانه است و خطاب در آیه به عموم انسانها است که در حقیقت بیانگر این است که انسانها در قیامت به سه دسته تقسیم میشوند (طباطبایی، ۱۹). بانوی اصفهانی سه دسته بودن انسانها در قیامت را به سه دسته بودن قوای آنها در دنیا متصل می‌کند که در حقیقت اصناف سه‌گانه بشر ناشی از قوای سه‌گانه اوست؛ زیرا که قوای مدرکه انسانی شامل قوه عقل، خیال و حس می‌باشد که برای هر یک از این قوا کمالی است لایق به خود، و سرانجام هر فردی به این سه قوه و انتهای کمالی آن مرتبط است (امین، ۶۳/۱۳). تقسیم‌بندی مشابهی در خصوص وضعیت انسانها در قیامت در سوره کورت ملاحظه می‌شود. آنجا که می‌فرماید: «**وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ**» زمخشری این آیه را نظیر آیه «**وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً**» در سوره الواقعه می‌داند و تاکید می‌کند که بیان آیه به معنای آن است که ارواح در قیامت قرین یکدیگرند (زمخشری، ۷۰۸/۴)؛ و در سوره الانفطار انسانها به دو

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

گروه ابرار و فجّار تقسیم می‌شوند. ابرار جمع برّ به معنی هـر نـوع نیکوکـاری اسـت و در اینجا هم عقاید نیک و هم نیات خیر و هم اعمال صالح را شامل می‌شود و نعیم کـه صـفت مشبهه است دلیل بر ثبوت نعمت آنها دارد، و فجّار جمع فاجر به معنی شکافتن وسیع است؛ یعنی کسانی که پرده عفاف و حیا را دریده‌اند در آتش افروختـه هسـتند (مکـارم‌شـیرازی، ۲۶)؛ و در سوره الانشقاق افراد به دو گروه تقسیم‌بندی شده‌اند؛ گروهی که نامه عملشان را از سمت راست دریافت می‌کنند و با آنها حساب یسیر می‌شود یعنی به تعبیر پیامبر به نامـه اعمال آنها نگاه کرده شود و از آنها صرف‌نظر شود (سیدقطب، ۷۹۱/۶) و گروه دوم که نامه عملشان از پشت سر به آنها داده می‌شود. پشت‌سر مرتبه دانی انسان است و شرافت به جلوی رو و طرف یمین وی می‌باشد. لذا کتاب کفار و فجار نظر بـه پسـتی آنهـا از پشـت سـر داده می‌شود، چون قیامت موقعی است که حقیقـت و کنـه هـر چیـزی نمایـان مـی‌گـردد (امـین، ۶۷/۱۵). در سوره الزلزال گروه‌بندی انسانها در قالب "اشتاتاً" بیان شده است. فخـررازی در تفسیر سوره تأکید می‌کند که عده‌ای با چهره‌های نورانی و لباس‌های فاخر بـه سـمت مواقـف حرکت می‌کنند و عده‌ای با چهره سیاه در غل و زنجیر در حالی کـه منـادی آنهـا را عـدوالله می‌خواند وارد محشر می‌شوند (فخررازی، ۲۵۶/۳۲). ملاحظه می‌شود که در تمام سوره‌هـای اذائیه به مسأله گروه‌بندی و تقسیم‌بندی انسان‌ها در دنیا و یا قیامت توجّـه شـده اسـت. ایـن رویکرد مشترک حاکی از به هم پیوستگی معنایی میان سوره‌های اذائیّه مکّی است.

۳ـ٤. غرض مشترک

در همه سور اذائیه مکّی غرض مشترکی را می‌توان دریافت کرد و آن انـذار دادن انسـانها نسبت به حوادث سخت قیامت است. البته در هر سورهای با رویکردی خاص به این غرض پرداخته شده است. در سوره الواقعه مقداری از حوادث هول‌انگیز قیامـت را ذکـر مـی‌کنـد، حوادث نزدیک‌تر به زندگی دنیایی انسان، و نزدیک‌تر به زمینی که در آن زندگی می‌کـرده، و تأکید می‌کند که اوضاع و احوال زمین دگرگون می‌شود و زمین بالا و پایین و زیـر و رو

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

می‌گردد، زلزله بسیار سهمگین زمین کوه‌ها را متلاشی، و چون غبار می‌سازد، آن گاه مـردم را به طور فهرست‌وار به سه دسته سابقین و اصحاب یمین و اصحاب شمال، تقسیم نمـوده، سرانجام کار هر یک را بیان می‌کند. آن گاه علیه اصحاب شمال که منکـر ربوبیـت خـدای تعالی و مساله معاد و تکذیب کننده قرآن هستند که بشر را به توحید و ایمان به معاد دعوت می‌کند استدلال نموده، و در آخر گفتار را با یادآوری حالت احتضار و فرا رسیدن مـرگ و سه دسته شدن مردم خاتمه می‌دهد (طباطبایی، ۱۹۵/۱۹). با چنـین رویکـردی اسـت کـه آیات اول این سوره در پی ترسیم صحنه‌هـای هولنـاک شـروع قیامـت اسـت و بـا آوردن عباراتی تنفرآور درباره وضعیت اهل جهنم، تصویرپردازی بسـیار سـختی از آن روز ارائـه می‌دهد (فخررازی، ۳۸۴/۲۹). در سوره التکویر که مفصل‌تـرین سـوره در میـان حـوادث سخت قیامت است روز قیامت را با ذکر پاره‌ای از مقدمات و نشـانی‌هـای آن و پـاره‌ای از آنچه در آن روز واقع می‌شود متذکر می‌شود و آن روز را روزی می‌دانـد کـه در آن عمـل انسان هر چه باشد کشف می‌گردد (طباطبایی، ۳۴۸/۲۰). این سـوره پـس از چهـارده بـار تکرار کلمه اذا از دگرگونی‌های عجیب آن روز یعنی تاریک‌شـدن خورشـید، بـراه افتـادن کوه‌ها، رهاشدن شتر ده‌ماهه و بیرون ریختن حیوانات از ترس، برافروخته شدن آب دریاها و حوادث دیگر سخن می‌گوید. این آیات مقدمه‌ای برای بیـان هـولانگیز حـوادث قیامـت است که نامههای عمل انسان ها گشوده میشـود و بـه حسـاب آن‌هـا رسـیدگی مـی‌شـود (طالقانی، ۱۸۰/۳۰). این سوره روز قیامت را با بعضی از علامت‌های متصل به آن تحدیـد می‌کند، و خود آن روز را هم به بعضی از وقـایعی کـه در آن روز واقـع مـی‌شـود معرفـی می‌کند، و آن این است که در آن روز تمامی اعمالی که انسان خودش کرده و همـه آثـاری که بر اعمالش مترتب شده، و بوسیله ملائکه حفظه که موکل بر او بوده‌اند محفوظ مانده، در آن روز جزاء داده می‌شود. اگر اعمال نیک بوده با نعیم آخرت، و اگر زشت بوده و ناشی از تکذیب قیامت بوده، با دوزخ پاداش داده می‌شود، دوزخی که خود او افروختـه و جاودانـه در آن خواهد زیست. آن گاه دوباره توصیف روز قیامت را از سر می‌گیـرد، کـه آن روزی است که هیچ کسی برای خودش مالک چیزی نیست، و امر در آن روز تنها برای خداسـت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

(طباطبایی، ۳۶۵/۲۰). در این سوره نیز بیان شدت حوادث قیامت با اشاره به انفطار آسمان، انتثار کواکب، افروختن دریاها، گشوده‌شدن قبرها و آگاهی انسان از آنچه تقدیم و تأخیر داشته ترسیم می‌شود و بعد از ذکر گروه‌بندی انسانها در پایان سوره دو مرتبه تحذیرهای تند ادامه پیدا می‌کند و در سه آیه پیاپی خداوند به واژه یوم‌الدین و اینکه اصلا کسی چه می‌داند آن روز چه روزی است به بزرگی حوادث آن روز اشاره می‌کند (زحیلی، ۱۳۶/۳۰). سوره الانشقاق به قیام قیامت اشاره نموده، بیان می‌کند که برای انسان سیری است به سوی پروردگارش، او در این مسیر هست تا پروردگارش را دیدار کند، و خدای تعالی به مقتضای نامه عملش به حسابش برسد، و در این آیات بر این مطالب تاکید می‌کند؛ در نتیجه آیات مربوط به تهدید از آیات بشارت در آن بیشتر است (طباطبایی، ۴۰۰/۲۰). در این سوره پس از ذکر نشانه‌های قیامت تاکیدی بر حرکت انسان به سمت پروردگار و ملاقات او دارد و اینکه این حرکت سختی‌هایی دارد و انسان باید از منازلی بگذرد تا به این ملاقات برسد و این تاکید در مراقبت انسان از خودش بسیار موثر است. و در سوره الزلزال اشاره به شدت آن روز با تأکید بر زلزله‌ای است که در نهایت شدت و هراسناکی است. سوره الزلزال و بیرون ریخته‌شدن محتویات زمین در اثر آن زلزله و دهشت و تحیر عقل انسان از این زلزله و شهادت زمین از اخباری که بر روی آن انجام شده و صحنه سخت خروج انسانها و صدور آنها در حالیکه متفرق هستند و چهره‌های متفاوت دارند و برگشت اعمال به سمت انسان حتی اگر به اندازه خردلی باشد (مراغی، ۲۶۹/۳۰).

٤ـ نتایج مقاله

۴ـ۱. پنج سوره الواقعه، التکویر، الانشقاق، الانفطار و الزلزال که همگی در مکّه نازل شده‌اند دارای شروع یکسانی هستند که با ظرف زمان إذا آغاز می‌شوند از این رو آن‌ها را سور اذائیه مکّی نامیده‌اند که در بررسی بدست آمده است که همگی در یک گروه جای می‌گیرند و از دو جهت ساختار ظاهری و محتوایی دارای تناسب و پیوستگی‌های شبکه‌ای هستند.

۴ـ۲. این سوره‌ها از جهت ساختار ظاهری و ادبی همگی دارای حسن آغاز هستند و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

از مطلع مشترک و سرآغاز مشابه برخوردارند؛ بسیاری از آیات آن‌ها دارای سجع‌های مشابه و یکسان است؛ در همه آن‌ها به نیکویی از صنعت تشبیه استفاده شده است؛ همه آن‌ها در صدد بیان صحنه‌هایی از حوادث آینده‌اند لکن برای اینکه بر حتمی‌الوقوع بودن آن حوادث دلالت کنند، فعل ماضی بکار گرفته شده؛ همه سور با به کار بردن حرف فاء در ابتدای آیات، بر رخ دادن حوادث بدون وقفه و پشت‌سرهم دلالت دارند که آن جریان را از یک واقعه معمولی به صحنه‌ای پرتحرک و زنده مبدّل می‌سازد و نبض کلمات را به طپش در می‌آورد؛ و آیات این سوره‌ها با ریتم‌های سریع همراه است که با اهداف آن یعنی بیان صحنه‌های قیامت یا حوادث آستانه قیانت تناسب دارد؛ به گونه‌ای که مخاطب را در درک بهتر آن صحنه‌ها همراه با هیجان لازم تهییج می‌کند. واکه‌های کوتاه، پی‌درپی و پرهیز از کاربرد فراوان واکه‌های بلند سبب شده تا ریتم آیات تند و سریع گردد. در این آیات ضرب آهنگ کلمات تند و سریع و کوبنده است به گونه‌ای که تارهای دل انسان را به سرعت به حرکت درآورده و پتک سنگین آن دلها را می‌کوبد و جوّی از هیجان و اضطراب را می‌آفریند.

۴ـ۳. سور اذائیه مکّی از جهت محتوایی از پیوستگی برخوردار است و همگی به طرح بحث پیرامون ربوبّیت خداوند پرداخته و اسم مشترکی که در میان سوره‌های اذائیه مکّی به چشم میخورد، نام رب الهی است که حلقه اتصالی را میان این سور برقرار کرده و میتواند بیانگر این نکته باشد که خداوند طراحی مسئله معاد را از طریق تاکید بر ربوبیت خود در عالم پایه‌گذاری می‌کند؛ در همه این سور به طرح مسأله قیامت پرداخته‌اند که البته با کلمه اذا که از ادات ظرفیه و شرطیه است و برای بیان حادثه‌ای محقق الوقوع در آینده به کار می‌رود شروع می‌شوند؛ محور اصلی همه این سوره‌ها پرداختن به احوالات مختلف انسانها در قیامت است؛ و در همه این سور غرض مشترکی را می‌توان دریافت کرد و آن انذار دادن انسانها نسبت به حوادث سخت قیامت است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳ش.

۲. ابن فارس، احمدبن فارس، *معجم المقایس اللغه*، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.

۳. آلوسی، محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.

۴. ابن عاشور، محمدبن طاهر، *التحریر و التنویر*، موسسه التاریخ، بیروت، ۱۲۹۳ق.

۵. امین، سیده نصرت، *مخزن العرفان فی تفسیر القرآن*، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش.

۶. بازرگان، عبدالعلی، *نظم قرآن*. انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۵ش.

۷. باقلانی، ابوبکر محمدبن الطیب، *اعجاز القرآن*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق.

۸. بقاعی، ابراهیم‌بن عمر، *نظم الدرر فی تناسب الایات و السور*، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.

۹. خامه‌گر، محمد، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ش.

۱۰. خوش‌منش، ابوالفضل، *مطالعات فرهنگ ـ ارتباطات*، شماره ۶۲، ص ۲۱۵-۱۸۵، ۱۳۹۴ش.

۱۱. حسن، عباس، *النحو الوافی*، ناصرخسرو، تهران، بی تا.

۱۲. حویزی، عبد علی‌بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، اسماعیلیان، ایران، قم، ۱۴۱۵ق.

۱۳. الحسینی، سید جعفر، *اسالیب البیان فی القرآن*، موسسه الطباعه و النشر، بیروت، ۱۴۱۳ق.

۱۴. حقی بروسی، اسماعیل، *تفسیر روح‌البیان*، دارالفکر، بیروت، بی‌تا.

۱۵. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، تحقیق: احمد قدسی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۹ش.

۱۶. جرجانی، عبد القاهربن عبد الرحمن، *دلائل الاعجاز فی علم المعانی*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۱۷. جیگاره، مینا و همکار، *بررسی و تحلیل سوره انفطار با تکیه بر نظریه ساختارگرایی*، ص۷۴-۵۰، پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، تهران، شماره ۱۳، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵ش.

۱۸. دهقانی فارسانی، یونس، *ساختار سوره انشقاق*، مجله بلاغ مبین، شماره۱۴، ص۱۴-۳، ۱۳۸۷ش.

۱۹. داوری، روح‌اله، *در آمدی بر پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های قرآن کریم: مطالعه موردی سوره مبارکه ذاریات*، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۵ش.

۲۰. ستوده‌نیا، محمدرضا، *بررسی تطبیقی میان تجوید و آواشناسی*، رایزن، تهران، ۱۳۷۸ش.

۲۱. السکاکی، محمدبن‌علی، *مفتاح العلوم*، الطبعه الاولی بتحقیق اکرم عثمان یوسف، دار الرساله، بغداد، ۱۹۸۱م.

۲۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، *الاتقان فی علوم القرآن*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.

۲۳. رافعی، مصطفی صادق، *اعجاز القرآن و البلاغه النبویه*، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۱۰ق.

۲۴. زمخشری، محمودبن عمر، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، دار الکتب العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۷ق.

۲۵. زحیلی، وهبه‌بن مصطفی، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، دار الفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۱۸ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]

۲۶. طاهرخانی، جواد، *بلاغت و فواصل قرآن*، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۳ش.
۲۷. طالقانی، سید محمود، *تفسیر پرتوی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار: چاپخانه حیدری، تهران، ۱۳۱۸ش.
۲۸. طالب‌تاش، عبدالمجید، *پژوهشی نو در باب اعجاز قرآن*، سرافراز، کرج، ۱۳۹۴ش.
۲۹. طبرسی، فضل‌بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ق.
۳۱. عبدالقادر، حسن، *القرآن و الصور البیانیه*، بی نا، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۳۲. فخر رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۳۳. فلاح، ابراهیم و همکار، *کاربرد شناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن (تحلیل موردی سوره مرسلات)*، دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال دوم، شماره اول، دانشگاه لرستان، ص ۴۱تا۶۳، ۱۳۹۴ش.
۳۴. قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، دارالشروق، الطبعه السابعه، القاهره، ۱۴۱۲ق.
۳۵. قرشی، علی‌اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، قم، ۱۳۷۵ق.
۳۶. لسانی، محمد علی، *سوره‌شناسی*، ناشر: نصایح، قم، ۱۳۹۴ش.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۳۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.
۳۹. مصلائی پور یزدی، عباس و همکار، *تنوع و نوع آوری در بیان داستان محاجّه حضرت ابراهیم با آذر و قومش در قرآن کریم*. صحیفه مبین، زمستان و بهار ۱۳۸۸-۱۳۸۷، شماره ۴۴، ص ۴۵تا۶۵، ۱۳۸۸ش.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۴۱. محمد قاسمی، حمید، *جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن*، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷ش.
۴۲. مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر مراغی*، دارالفکر، بیروت، لبنان، ۱۳۷۱ق.
۴۳. مطهری، مرتضی، *آشنایی با قرآن*، انشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۴ش.
۴۴. میر، مستنصر، *پیوستگی سوره تحولی در تفسیر قرآن در قرن بیستم*، آینه پژوهش، محمدحسن محمدی مظفر، شماره۱۰۷و۱۰۸، ص۴۴۵-۴۳۸، ۱۳۸۶ش.
۴۵. ناظمیان، هومن، *پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره تکویر*، مجله زبان و ادبیات عرب، شماره۲۷، ص۹۷تا۱۱۵، ۱۳۹۱ش.
۴۶. الهاشمی، احمد، *جواهر البلاغه فی المعنی و البیان و البدیع*، الطبعه السابعه، قم، ۱۴۱۷ق.
۴۷. یارمحمدی، لطفالله، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، ناشر: هرمس، تهران، ۱۳۸۳ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.1.6]